

دریچه‌ای به وسعت لایزال داستان



فرهنگ داستان‌نویسان ایران

نوشته: حسن عابدینی

چاپ اول: ۱۳۶۹

انتشارات: تهران دبیران

۱۲۸ ص، ۱۰۰۰ ریال

تاریخ فرهنگ‌نامه‌نویسی معاصر ایران، عمری ۶۵ ساله دارد. و این عمر نه چندان بلند، با فرهنگ نفیسی و لغت‌نامه‌دهخدا آغاز و در این روزگار، به "فرهنگ داستان‌نویسان ایران" کار ارزنده حسن عابدینی می‌انجامد. فرهنگ‌نامه‌نویسی، تنها مختص گردآوری و ثبت واژه‌های مهجور و یا مورد استفاده یک زبان و شرح و معنی و آوردن معادل هر واژه نیست. برای تمامی موضوعات و مباحث ادبی و هنری از قبیل شعر، موسیقی، نقاشی، سینما، فولکلور و حتی ورزش و غیره می‌توان با روشی علمی و دقیق فرهنگ‌نامه‌هایی تنظیم و فراهم کرد که در صورت نیاز و مراجعه بدان، گره بسیاری از مشکلات مراجعین به آن فرهنگ را باز کند و به همین دلیل است که فرهنگ‌نویسی به یکی از ملزومات جامعه اندیشمند انسانی بدل می‌گردد.

پس از تدوین و انتشار "صدسال داستان‌نویسی در ایران" ۲ کار سترگ حسن عابدینی، در زمینه بررسی ادبیات داستانی ایران، انتشار فرهنگ داستان‌نویسان نیز به رغم ظاهر کم‌حجم و فروتنانه آن کاری است به غایت عظیم که با تلاش پیگیر و مراجعه مداوم به بسیاری از منابع و مآخذ دور از دسترس، تقریباً بدون فروگذاشت نکته قابل اشاره‌ای، به جامعه ادبی امروز ایران و جهان عرضه گشته است. عابدینی، در مقدمه کوتاه خود بر این کتاب، روش کار تدوین فرهنگ حاضر را بیان کرده است و اذعان به این نکته که در بعضی موارد امکان دسترسی به اصل بعضی کتابها فراهم نبوده است، زنگ وجود بعضی تسامحات احتمالی را به صدا درمی‌آورد. که صد البته وقتی کاری به این بزرگی که به طور طبیعی باید از سوی یک هیئت و به صورت گروهی انجام

گیرد، توسط یک تن با جان و روحی شیفته انجام می‌گیرد، از آن گریزی نیست. مگر در کشور ما فرهنگهای معروف از جمله نعیمی و دهخدا و معین و غیره، جز با کوشش یک تن آغاز و به سامان رسیده‌اند؟

البته در سالهای پس از انقلاب با آغاز تدوین دایره‌المعارف تشیع و دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و فرهنگ اصطلاحات ادبی، می‌رود که انجام چنین کارهای گروهی، جای خود را باز کند و به یقین وقتی که صحبت از کار جمعی و تقسیم وظایف طبق توانائیهای علمی موجود در اشخاص و محققین مدنظر باشد، درصد سهو و خطا بسیار کاهش می‌یابد. " فرهنگ داستان‌نویسان ایران " در یک کلام کاری است ارزنده و قابل ستایش و اگر در این نوشته، مختصر بنا بر این است که نکاتی جزئی از افتادگی‌ها (به زعم راقم سطور) بیان شود، بدین مفهوم نیست که اصل اثر و دقت علمی آن زیر سؤال رود که من در سطور پیش از این، تکلیف خود را با این فرهنگ روشن کرده و آن را جزو آثار نادر ادبیات داستانی امروز می‌دانم و اگر هم نکته‌ای فرو گذاشته را برمی‌شمرم از روی شیفتگی به این اثر بوده و غایت آرزویم رفع عیوب و کاستی‌های احتمالی آنست.

* *

در صد سال داستان‌نویسی، جلد دوم، عابدینی با زبانی بیطرفانه‌تر و موضعی عادلانه‌تر از جلد نخست به بحث پیرامون آثار داستانی نشسته است و همین انصاف علمی سبب نگارش جمله‌ای در کتاب گردیده که من بسیار دوست می‌دارم:

" به این نکته باید توجه داشت که بسیاری از خوانندگان ادبیات پیشرو و معاصر از میان خوانندگان رمانهای سبک سربرآورده‌اند. "۳ این سخن به یقین در مورد بسیاری از شیفتگان ادبیات داستانی مصداق دارد. بی‌هیچ پرده‌پوشی باید اذعان کنم که من یکی از خوانندگان قدیمی رمانهای سبک (به قول عابدینی) هستم که تقریباً " هیچ نوشته‌ای از این دست را نخوانده‌ام. و بر این عمر رفته هم نه تنها افسوس نمی‌خورم که عشق و شیفتگی به ادبیات سالم و انسانی و هنرمندانه را نیز مرهون این قبیل آثار می‌دانم. من فکر می‌کنم که هیچ اثری نمی‌توانست همچون شهرآشوب مستعان، داستانهای حمزه سردادور و اروغنی کرمانی و امثالهم مرا در وادی حیرت ادبیات داستانی، آنهم در دوران کودکی و نوباوگی بیندازد. تا آنجا که به یاد دارم اولین کتاب داستانی که در کودکی بدون کمک دیگران خوانده‌ام، داستانی به نام " بردگان سرنوشت " از نویسندگانی به نام " ر، سرباز " بوده که پس از گذشت سالهای متعددی، هنوز تصاویری گاه درهم و گاه زنده را از قهرمانانش به یاد می‌آورم. به همین دلیل آشکار به محض دیدن فرهنگ داستان‌نویسان، با مراجعه به فهرست اسامی نویسندگان، به جستجوی سرباز گمشده، دوران کودکی برآمدم و دریغاً که نیافتم. با نیافتن نام سرباز و کتابش در این فرهنگ ناامید نشدم و با مراجعه به حافظه و یادآوری بسیاری از اسامی نویسندگان معروف و ناشناخته، سالهای دور، و یافتن نام و عناوین آثار ایشان، یقین حاصل کردم که عابدینی، بسان " صدسال داستان‌نویسی " در سایه تلاش و کوششی جانانه از عهده، کار برآمده و یکی از نیازهای جامعه ادبی و فرهنگی امروز را برآورده است. به هر حال برشمردن نکاتی از افتادگیها و افزودن آن در چاپهای آینده

موجبات تکامل بیشتر این فرهنگ قابل استفاده برای عموم کتابخوانان و شیفتگان ادبیات داستانی را فراهم خواهد آورد. حال در دنباله مطلب آنچه را که در یک تورق یک روزه، بدان رسیده‌ام برمی‌شمرم:

در ذیل نام " خاکسار ابهری " که آوردن نام این نویسنده در فرهنگ، نشان از دقت و زحمت پدیدآورنده آن را دارد، از تنها داستان بلند این نویسنده به نام " ملا ظفر، ۱۳۵۲ " ذکری در میان نیست و به جای آن از " زنجیر، ۱۳۳۹ " که مجموعه‌ای از اشعار طنزآمیز ترکی و فارسی خاکسار است و به جز قطعات کوتاهی به نثر در آن نیست و یا کتاب " قبول، تحدید، رد " (۱۳۳۸) نام برده شده است که این مجموعه هم به صورت داستان نوشته نشده، بلکه قطعه‌های کوتاه احساسی به نثر است و نام داستان نمی‌توان بر آن نهاد. و اگر بنا بود که چنین قطعاتی داستان تلقی گردد، جای بسی تأسف است که از نمونه‌های دیگر طنزکوتاه داستانی و روایتی که در نوع خود بی‌نظیر است نامی به میان نیاید. مقصودم (التفاصيل، ۱۳۴۸) از فریدون توللی است که در این فرهنگ عنایتی به آن نشده است.

عابدینی، در مقدمه کتاب خود عنوان کرده است که مقید به آوردن مشخصات اثری از نویسنده‌ای بوده است که حتماً " به صورت کتاب منتشر شده باشد، تا اینکه ذکری از صاحب آن به میان آید. نگارنده معتقد است که این قید سبب گردیده است که نام بعضی از داستان‌نویسان، به ناحق در این فرهنگ نیاید. از جمله عبدالحسین زرین‌کوب، با داستانهای فلسفی ربیایش، (تک درخت، یعما، ۱۳۴۷)، (هدیه دریا، راهنمای کتاب، شماره ۶) و (کتابها و آدمها، سخن شماره ۹) گوا اینکه برخی از این داستانها در بعضی کتابهای زرین‌کوب از جمله " یادداشتها و اندیشه‌ها، ۱۳۶۲ " چاپ چهارم، آمده است. نام ابوتراب جلی، منوچهر اشتهاردی یا انبوه داستانهای طنز در توفیق و دیگر نشریات و اصغر انتظاری در اطلاعات هفتگی و پوران فرخزاد در اطلاعات بانوان نیز از این دسته‌اند.

حتی در این فرهنگ می‌شد در صورت نبود این قید چاپ کتاب، از فروغ فرخزاد یا داستان " زهرا " که در یکی از نشریات آن دوره چاپ شده است یاد کرد و به غای فرهنگ افزود.

آنچه در این فرهنگ جالب است اینکه در ذیل نام دسته‌ای از نویسندگان رمانهای به قول عابدینی سبک و بی‌مایه، از جمله اروغی، امیر مشیری، پرویز قاصی سعید و منوچهر مطیعی کامل‌ترین فهرست از عناوین کتابهای آنان به چشم می‌خورد. ولی متأسفانه در مقابل نام نویسنده ارزشمندی همچون غلامرضا انصاف‌پور، از آوردن نام کتاب " جنگ آدم و ابلیس، ۱۳۴۵ " که اثری داستانی و فلسفی است و نیز چند اثر دیگر این نویسنده بزرگقدرت غفلت گردیده است. و این تسامح در صدسال داستان‌نویسی هم وجود دارد و متأسفانه عابدینی بدون اشاره به داستانهای انصاف‌پور، علی‌الخصوص (روح مرتضی‌خان) که یکی از مجموعه داستانهای ماندنی در ادبیات داستانی معاصر

است، خواننده را از فیض آشنایی با سبک این نویسنده و نگرش دقیقش به اجتماع روزگار خود محروم می‌سازد.

از دیگر فراموش‌شدگان می‌توان به نوراله خرابی با کتاب "خاطرات خدا، ۱۳۳۵" و محمد دلجو و امیر مجاهد با کتابهایی همچون پتک و گودال خون، اشاره داشت. لازم به تذکر است که این دو تن یعنی محمد دلجو و امیر مجاهد، نوشته‌های خویش را با نام ترجمه و نگارش عرضه می‌کردند و من مطمئن هستم که اکثر داستانهای پلیسی بی‌مایه‌ای که با نام "اثر میکی اسپیلین" منتشر می‌شد محصول اندیشه این دو تن و تخیل بی‌مایه آنان بوده است. و اگر عابدینی اندک عنایتی به این قبیل آثار داشت می‌توانست در فرهنگ ارزشمند خویش نامی هم از مرحوم ذبیح‌اله منصور بی‌آورد که اکنون بر کسی پوشیده نیست که اکثر داستانهای تاریخی منتشر شده آن مرحوم، از ترجمه تنها عنوانی داشته و محصول قلم و اندیشه خود منصور بوده است.

در درج عناوین بعضی آثار نیز تسامحاتی رفته است. برای نمونه از کتاب "انسیه خانوم" جعفر شهری با نام ناقص (انسیه) یاد گردیده است. همچنین است نام کتاب دکتر پرویز رحبی (ماهی قرمز - حوض همسایه) که از آن با نام (ماهی سرخ همسایه!) سخن به میان آمده است.

همانطور که در سطور قبیل مذکور افتاد، این سهوها و نقایص آنقدر جزئی است که در این کار بزرگ جلوه و نمودی ندارد، لکن چقدر پسندیده است که فرهنگی این چنین، حتی از این کاستی‌های قابل اغماض نیز بدور مانده باشد.

سخن آخر اینکه بر عابدینی است پویاتر و سختکوشتر به ادامه این خدمت فرهنگی استمرار بخشیده و در آینده‌ای نه چندان دور، شاهد انتشار بررسی و تحلیل سیر داستان‌نویسی در سالهای پس از ۱۳۵۷ تاکنون و نیز فرهنگ کامل ادبیات داستانی این سالها، با وضعی مطلوبتر باشیم، چرا که نزدیکی زمانی و وجود منابع فراوان در دسترس، این انتظار را پدید می‌آورد. و با انتشار دو جلد از "صدسال داستان‌نویسی" و "فرهنگ داستان‌نویسان ایران"، حسن عابدینی، صلاحیت کامل خویش را برای انجام این خدمت فرهنگی بروشنی نمایانده است...

۱ - نگاه کنید به آدینه، شماره ۳۳، نوروز ۱۳۶۸، راهی که تا امروز پیموده‌ایم، حسین سامعی.

۲ - صدسال داستان‌نویسی در ایران، جلد اول از ۱۲۵۳ تا ۱۳۴۲، نشر تندر، ۱۳۶۶ و جلد دوم از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷، نشر تندر، ۱۳۶۸.

۳ - صدسال داستان‌نویسی، جلد دوم، صفحه ۷۲.